

«جوان» رشد اقتصادی «تقریباً هیچ» دولت روحانی و راهکارهای جبران این خسارت ملی را بررسی می کند

عبرت رشد اقتصادی در یک دهه

رئیس سازمان برنامه و بودجه روحانی: رشد اقتصادی سال ۱۳۹۹ معادل ۴/۱ درصد و در بهار سال ۱۴۰۰ برابر ۶/۷ درصد بود

رئیس سازمان برنامه‌و‌بودجه رئیس: میانگین رشد اقتصادی در هشت ساله دولت شما حدود یک درصد و در چهار سال دوم حدود صفر بود

ادعای مسئولان اقتصادی قبلی درباره رشد اقتصادی ۴درصدی در بهار ۱۴۰۰در حالی است که طبق گزارش رسمی بانک مرکزی میانگین رشد اقتصادی دولت روحانی تقریباً صفر بوده‌است



دبیر گروه اقتصاد

که مسئله اصلی، گرهای معیشتی و رفاهی است، طبعاً غالب برنامه‌ها روی اقتصاد می‌چرخد. تا اینجا ی کار یک امر طبیعی وای بسا به واسطه گرم کردن تنور انتخابات مورد استقبال است، اما این همه ماجرا نیست، چراکه برخی از همان جریانات و افراد با خدعه و دغا‌اقدام به کارنامه‌سازی می‌کنند و اگر این افراد خودشان در دولتی قبلی بوده و مسبب ریشه وضعیت اسفبار اقتصادی کنونی باشند و در روز روشن اقدام به کارنامه‌سازی کنند، نوبر است. در صفحه‌پیش‌رو به صحت‌سنجی یکی از این ادعاها پرداخته‌ایم.

نرخ رشد اقتصادی ایران طی سال گذشته چه روندی را طی کرده‌است؟ پاسخ به این سؤال به مناظره مکتوب مسئولان اقتصادی دولت فعلی و قبلی کمک می‌کند، اما سؤال مهم‌تر اینکه آیا مسئولان اقتصادی دولت قبلی واقعا نرخ رشد اقتصادی دولشان را قابل دفاع می‌دانند یا به واسطه حضور دو انتخابات پیش‌رو در حال سیاسی‌سازی کاری هستند؟ پاسخ این سؤال هر چه باشد، ناامیدکننده است چه آنکه میانگین نرخ رشد اقتصادی نیم‌درصدی در کارنامه دولتی به مدعایی تدبیر و آمیده، نه تنها هیچ جای دفاعی ندارد، بلکه حتی باید از حریف زدن درباره آن نیز امتناع کنند، نادی از آنجا که برخی‌ها حافظه تاریخی یک ملت را نادیده می‌گیرند به خودشان حق می‌دهند. حدود دو‌ساعه بعد از تحویل دادن دولتی با تورم ۶۰درصد، شوالی طلبکاری بی‌بوسند، غافل از اینکه در نشان زار می‌زند. فارغ از سیاسی‌سازی کاری برخی چهره‌های حزبی این سؤال کلیدی مطرح است که برای عدم تکرار تجربه تلخ دولت روحانی در وقوع رشد اقتصادی «تقریباً هیچ» بایبیشترین رشد نقدینگی، چه باید کرد؟

■ ■ ■

ماجرای مناظره مکتوب مسئولان اقتصادی دولت قبلی و دولت فعلی از چند مدت پیش در بستر یکی از شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده و دور از مرعا و منظر مردمی که باید قضاوت کنند، آغاز شده است. محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه‌و‌بودجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم و یکی از عمود افرادی که اجازه حضور در حلقه محدود اطرافیان رئیس‌جمهور سابق را داشت، در یک پیام تویتری نوشت: «جناب آقای رئیسی با سلام و احترام در خصوص گزارش امروز حضر تعالی، با التماس دارید که طبق گزارش شماره ۱۱۰ بانک مرکزی، رشد اقتصادی سال ۱۳۹۹ معادل ۴/۱ درصد و در بهار، سال ۱۴۰۰ برابر ۶/۷ درصد و مستند به گزارش رسمی مرکز آمار، رشد اقتصادی ۱۳۹۶–۱۳۹۲ بیش از ۴/۱ درصد و در سال ۱۳۹۵ برابر ۴/۲ درصد بود.» این اظهارات پس از آن مطرح می‌شود که نوبخت به‌رغم اصرار برخی چهره‌های سیاسی دونیش به تحریم انتخابات پیش‌رو، در پیش‌ثبت‌نام انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی شرکت کرده است و برخی‌ها این نوع اظهار نظر‌ها را با کاربرد انتخاباتی عنوان کردند، چه آنکه بزرگ‌ترین آرقام را از میان گزارش‌های بانک مرکزی و مرکز آمار انتخاب کرده، به طوری که برای برخی سال‌ها آمار بانک مرکزی و برای بقیه سال‌ها آمارهای مرکز آمار را ملاک قرار داده و این رویه با وجود ثبت بدترین عملکرد در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، قابل تأمل است.

اما این پایان ماجرا نبود، سیداحسان خاندوزی وزیر اقتصاد دولت مستقیم به خطایی مستقیم به نوبخت نوشت: «کل‌نبدای محترم‌اصاد بودن با مردم شرط اول حکمرانی است. طبق گزارش رسمی بانک مرکزی میانگین رشد اقتصادی در چهار سال منتهی به دولت سیزدهم برابر ۰/۵ بوده است و این یعنی هیچ.» همچنین داود منظور رئیس سازمان برنامه‌و‌بودجه دولت قبلی نیز در پاسخ به نوبخت تأکید کرد: «آقای نوبخت! آدرس سنایت بانک مرکزی را که خاطر تان هستا بر اساس گزارش رسمی این سنایت، میانگین رشد اقتصادی در هشت ساله دولت شما حدود یک درصد و در چهار سال دوم حدود صفر (۰/۵ درصد) بوده است. توجه کنید، دولت سیزدهم اینگونه میانگین رشد اقتصادی را چهار برابر کرد!» محمد شیرچیان معاون اقتصادی بانک مرکزی نیز تأکید کرد: «رشد اقتصادی کشورمان طی دو سال گذشته به طور متوسط ۴/۲ درصد و این رقم در چهار سال منتهی به ۱۴۰۰ معادل ۰/۶ درصد بوده است. جهت تجارت ایران در سال ۱۴۰۱ به ۱۷۳ میلیارد دلار رسید که تقریباً دو برابر سال ۱۳۹۹ است.»

■ **دهه منحوس اقتصاد ایران**

اما به سؤال ابتدایی می‌رسیم که برای عدم تکرار تجربه تلخ دولت روحانی در وقوع رشد اقتصادی «تقریباً هیچ» بیشترین رشد نقدینگی چه کار باید کنیم؟

دهه ۱۳۹۰ یکی از بدترین دهه‌های اقتصادی ایران بوده است؛ دولت روحانی میراث‌دار بدترین دهه بعد از انقلاب است که با رشد اقتصادی تقریباً هیچ و رشد نقدینگی

بیشینه، بیشترین ضربه را به مردم در این دهه زد. همچنین دو سال آخر دولت روحانی بار کوردشکنی ۴۰درصدی در رشد نقدینگی نقطه به نقطه در سال ۱۳۹۹ و پیش از تحویل دولت به دولت رئیسی نیز کاملاً مشهود است که اقتصاد کشور در این دهه با مشکل جدی روبه‌رو بوده است. در دولت قبل اقتصاد ایران در جزا زد و طبق اعلام نظر وزیر اقتصاد رشد حدود نیم‌درصدی اقتصادی در کنار رشد ۷۱۳درصدی نقدینگی کشور آمار فاجعه باری بود که همه اثرات آن بر سفره مردم تخلیه شد. این در حالی است که در یک دهه گذشته، با وجود رشد وحشتناک نقدینگی که بیشترین رشد نقدینگی را بین دولت‌های پس از انقلاب داشته است، هیچ بخشی از این نقدینگی بالا به سمت اقتصاد و بخش مولد اقتصاد نیز نرفته است و با توجه به رشد اقتصادی صفر درصدی در این دولت، رشد ۷۱۳ درصدی نقدینگی کشور مستقیماً به بخش سوداگری و غیرمولد اقتصاد رفته است. بدین ترتیب در دولت روحانی که پالایشگاه‌سازی «کنافت کاری» نامیده می‌شد، مسکن ساختن «مزخرف» عنوان شود و قدرت رقابت در هیچ صنعتی جز فرم‌سبزی و ایگوشت بزباش را انداشتم و وضعیت به نحوی شود که با وجود بیشترین رشد نقدینگی پس از انقلاب، در همان جای قبلی در بخش تولید در جا بزینم و بیشترین تورم پس از انقلاب را در سال ۱۳۹۹ تجربه کنیم.

باید از این تجربه وحشتناک کسب شده در دهه ۹۰ و دولت روحانی درس بزرگی بگیریم که اگر این مسیر طی نشود، دوباره گرفتار همان مصیبت خواهیم شد. در حال حاضر توسعه کشور نیازمند منابع است و مهم‌ترین منابع نیز با هدایت اعتبارات بانکی و هدایت خلق پول بانکی برای تولید متصور است. تجربه‌ای که در سال اول دولت کنار گذاشته شد و متأسفانه شاهد سفته‌بازی و ورود غیرمولد بانک‌های زبان‌زد در سیاست‌های فاعلانه پولی کشور بودیم، در جایی که ۲۵ درصد معادل یک چهارم خلق پایه پولی در سال ۱۴۰۱ به اضافه برداشت بانک آینده برگشته است اقدامی که در سال جاری مورد توجه وزیر اقتصاد قرار گرفت و عنوان کرد که نباید اشتباه دولت قبل و سال گذشته در زمینه سیاست غیرفعالانه پولی را ادامه دهیم و باید به صورت فعالانه سیاست پولی خود را طراحی کنیم.

اهمیت هدایت اعتبارات بانکی به سمت ایجاد و تولید کالا و خدمات و تحقق رشد اقتصادی بسیار مهم است. از همین روز نیز اهمیت دارد که دولت اصلاح‌ها در این زمینه اقدام جدی به عمل بیاورد و به دنبال اصلاح این روند معیوب باشد. موضوعی که طی سالیان اخیر در زمینه هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش مولد اقتصاد مطرح شده است، اقدامی بسیار کلیدی در ارتباط بین خلق نقدینگی در سطح کشور با رشد اقتصادی دارد و مهم‌ترین رویکرد در جهت کنترل تورم همراستا با رشد تولید کالا و خدمات در کشور است.

خاندوزی با بیان اینکه بانک مرکزی باید در سال ۱۴۰۲ سیاست فعالانه‌ای را در مورد سیاست‌های پولی در پیش گیرد، اشاره کرد در سال ۱۴۰۱ بخش بزرگی از رشد پایه پولی به صورت منفعلانه و از محل اضافه برداشت بانک‌ها بوده است. رشد پایه پولی در سال گذشته بیش از ۲۳۰ هزار میلیارد تومان بوده است که در صورت اتخاذ سیاست فعالانه از سوی بانک مرکزی می‌توانست صرف پروژه‌های عمرانی شود. برآورد می‌شود در سال جاری نیز پایه پولی بیش از ۲۵۰ هزار میلیارد تومان رشد کند که حتماً باید با برنام‌ریزی مناسب و با مداخله فعالانه بانک مرکزی صرف پروژه‌های عمرانی شود. در غیر این صورت، پایه پولی از محل اضافه برداشت بانک‌ها و بدون اینکه ما به ازای واقعی در اقتصاد داشته باشیم، رشد خواهد کرد.

مهم‌ترین و شاید بزرگ‌ترین بخش مولد اقتصاد با کشتی بسیاری باال برای پذیرایی از منابع بانکی و همچنین نیاز واقعی حاضر در اقتصاد، بخش ساخت مسکن است.ساخت مسکن موضوعی است که در دولت قبل به طور کامل کنار گذاشته شده بود و منابع وحشتناک وزیر راه و شهرسازی دولت قبل در زمینه ساخت مسکن، سسبب شده که نیاز مسکن کشور علاوه بر افزایش جمعیت از محل بی‌تدبیری دولت قبلی نیز افزایش یابد و این حجم بالای نیاز به ساخت مسکن، نیازمند همراهی هدفمند دولت در زمینه تولید و ساخت مسکن است.

بنابر این ساخت یک میلیون واحد مسکونی در سال به عنوان مهم‌ترین وعده عمرانی رئیس‌جمهور به سمت هدایت صحیح منابع در جهت تحقق رشد اقتصادی ۸درصدی ضروری است. در زمینه هدایت منابع بانکی دو مسیر وجود دارد؛ سیاست فعالانه پولی در زمینه هدایت پایه پولی به شکل مستقیم در ساخت مسکن و همچنین اهرم کردن پایه پولی و منابع ارزی آزاد شده که اثرات مثبتی بر پایه پولی دارد، هر دو می‌تواند به کار گرفته شود. همچنین استفاده از ابزار شبکه بانکی برای هدایت مستقیم خلق نقدینگی شبکه بانکی نیز نیازمند استفاده هوشمند از ابزارهای دولت است.

مسکن به عنوان یک نیاز اولیه و کالایی که درصد بالایی از هزینه خانواده را به خود اختصاص می‌دهد، بخش بزرگی از مشکلات اقتصادی خانواده را حل خواهد کرد. به همین دلیل مشخص است اولویت در تخصیص منابع حاصل از تغییر سیاست پولی باید احداث مسکن باشد. ذکر این نکته ضروری است که از ابتدای دولت پایه پولی بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است که اگر این رقم صرف ساخت مسکن برای متقاضیان واجد شرایط می‌شد، بیش از ۳۰۰ هزار واحد مسکونی تولید شده بود که با توجه به بعد ۳/۲ خانوار در کشور به معنای حل مشکل بیش از یک میلیون نفر از هموطنان بود.

